BRIEF REPORT

A Multidimensional Perspective on Promoting and Inhibiting Factors of Fertility in Mazandaran Province

Marzieh Zamaniyan[1],
Maliheh Ghasemi Tirtashi[2],
Hamid Sharif Nia[3],
Salomeh Peyvandi[4],
Bizhan Shabankhani[5]

[1] Associate Professor of Gynecology and Obstetrics, Sexual and Reproductive Health Research Center, Mazandaran University of Medical Sciences, Sari, Iran.
[2] Assistant Professor of Gynecology and Obstetrics, Sexual and Reproductive Health Research Center, Mazandaran University of Medical Sciences, Sari, Iran.
[3] Professor of Nursing, Department of Nursing, School of Nursing and Midwifery, Mazandaran University of Medical Sciences, Sari, Iran
[4] Assistant Professor of Gynecology and Obstetrics, Sexual and Reproductive Health Research Center, Mazandaran University of Medical Sciences, Sari, Iran.
[5] Assistant Professor of Biostatistics, Department of Biostatistics, Faculty of Health, Mazandaran University of Medical Sciences, Sari, Iran

(Received September 15, 2025; Accepted December 3, 2025)

Abstract

Background and purpose: In recent years, the significant decline in fertility rates has emerged as one of the most critical demographic challenges in the country. This trend may result in wide-ranging consequences across economic, social, and macro-level policy domains. Therefore, understanding the various factors that influence individuals' willingness to have children is essential for designing effective programs and targeted interventions. This study aimed to comprehensively examine the encouraging and discouraging factors affecting childbearing among women and men residing in Mazandaran Province, in order to provide a clearer picture of the current situation.

Materials and methods: This cross-sectional, multicenter study was conducted among a diverse population, including women and men working in governmental and private sectors, as well as clients attending public and private healthcare centers. Eligible participants were selected through convenience sampling. Data were collected using a structured questionnaire assessing multiple domains related to attitudes, individual and family circumstances, economic status, social support, and cultural and religious beliefs.

Results: The mean age of participants was 31.34 years (± 8.70), indicating the involvement of a wide range of age groups. Of all participants, 79.5% were men and 20.5% were women. The findings showed that women had higher mean scores for factors encouraging childbearing compared to men. A similar pattern was observed for discouraging factors, although the differences were not statistically significant. This suggests that both genders are influenced by a similar set of factors, although the perceived intensity of these factors differs between them.

Conclusion: The results emphasize that childbearing is a multifactorial phenomenon influenced by individual, social, economic, and religious factors. Therefore, effective planning and policymaking to promote fertility require a comprehensive, evidence-based approach that considers gender differences and regional characteristics to address the declining fertility trend in a targeted and efficient manner.

Keywords: *fertility, promoting factors, inhibiting factors, mazandaran*

J Mazandaran Univ Med Sci 2025; 35 (251): 158-165 (Persian).

Corresponding Author: Bizhan Shabankhani - Faculty of Health, Mazandaran University of Medical Sciences, Sari, Iran. (E-mail: shabankhani@yahoo.com)

[Downloaded from jmums.mazums.ac.ir on 2026-11-28]

مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران
دوره سی و پنجم شماره ۲۵۱ آذر سال ۱۴۰۴ (۱۶۵-۱۵۸)

نگاهی چند بعدی به عوامل بازدارنده و تشویق کننده فرزندآوری در استان مازندران

مرضیه زمانیان[۱]
ملیحه قاسمی تیرتاشی[۲]
حمید شریف نیا[۳]
سالومه پیوندی[۴]
بیژن شعبانخانی[۵]

چکیده

سابقه و هدف: طی سال‌های اخیر، کاهش چشمگیر نرخ باروری به یکی از مهم‌ترین چالش‌های جمعیتی کشور تبدیل شده است. این روند می‌تواند پیامدهای گسترده‌ای در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و حتی سیاست‌گذاری‌های کلان جمعیتی برجای بگذارد. از این‌رو، شناخت عوامل گوناگونی که بر تمایل افراد به فرزندآوری اثر می‌گذارند، برای طراحی برنامه‌های مؤثر و مداخله‌های هدفمند ضروری است. مطالعه حاضر با هدف بررسی جامع عوامل تشویق‌کننده و بازدارنده فرزندآوری در میان زنان و مردان ساکن استان مازندران، انجام پذیرفت تا تصویری روشن‌تر از وضعیت موجود فراهم شود.

مواد و روش ها: این پژوهش مقطعی به‌صورت چند مرکزی، و در میان گروهی متنوع از جمعیت، شامل زنان و مردان شاغل در بخش‌های دولتی و خصوصی و نیز مراجعان به مراکز درمانی، اجرا شد. افراد واجد شرایط از طریق نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسش‌نامه‌ای ساختارمند بود که حوزه‌های مختلف مرتبط با نگرش، شرایط فردی و خانوادگی، وضعیت اقتصادی، حمایت اجتماعی و باورهای فرهنگی و دینی را ارزیابی می‌کرد.

یافته‌ها: میانگین سنی ۳۱/۳۴ سال (± ۸/۷۰) نشان‌دهنده مشارکت طیف وسیعی از گروه‌های سنی بود. شرکت‌کنندگان شامل ۷۹/۵ درصد مرد و ۲۰/۵ درصد زن بودند. نتایج تحلیل‌ها نشان داد میانگین نمره عوامل تقویت‌کننده تمایل به فرزندآوری در زنان بالاتر از مردان بود. همین الگو در مورد عوامل بازدارنده نیز مشاهده شد، اگر چه تفاوت‌ها از نظر آماری معنادار گزارش نشد. این موضوع بیانگر آن است که هر دو جنس در معرض مجموعه مشابهی از عوامل تأثیرگذار قرار دارند، اما شدت ادراک آنان نسبت به این عوامل متفاوت است.

استنتاج: فرزندآوری پدیده‌ای چند عاملی است و تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل فردی، اجتماعی، اقتصادی و مذهبی قرار دارد. بنابراین، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری مؤثر در حوزه ارتقای باروری نیازمند رویکردی جامع، مبتنی بر شواهد و توجه به تفاوت‌های جنسیتی و منطقه‌ای است تا بتوان به‌صورت هدفمند با روند کاهش باروری مقابله کرد.

واژه های کلیدی: فرزندآوری، عوامل تشویق کننده، عوامل بازدارنده، مازندران

مولف مسئول: بیژن شعبانخانی- ساری: دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران **E-mail:** shabankhani@yahoo.com
۱. دانشیار زنان و زایمان، مرکز تحقیقات سلامت جنسی و باروری، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران
۲. استادیار زنان و زایمان، مرکز تحقیقات سلامت جنسی و باروری، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران
۳. استاد پرستاری، گروه پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران
۴. استادیار زنان و زایمان، مرکز تحقیقات سلامت جنسی و باروری، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران
۵. استادیار آمار، گروه آمار زیستی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران
تاریخ دریافت : ۱۴۰۴/۶/۲۴ تاریخ ارجاع جهت اصلاحات : ۱۴۰۴/۷/۲۶ تاریخ تصویب : ۱۴۰۴/۹/۱۲

[Downloaded from jmums.mazums.ac.ir on 2026-11-28]

مقدمه

مطالعات متعدد نشان داده‌اند که زندگی اجتماعی انسان از نهاد خانواده آغاز می‌شود و تغییر در ارزش‌های خانواده می‌تواند مستقیماً بر ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی اثر بگذارد، به‌گونه‌ای که بسیاری از تحولات اجتماعی ناشی از دگرگونی در ساختار خانواده‌اند(۱). کاهش باروری و گرایش به تک فرزندی که تا سطح جانشینی یا کم‌تر از آن رسیده، از پیامدهای گسترش شهرنشینی و سبک زندگی مدرن است. این روند در سال‌های اخیر به یکی از چالش‌های جدی جوامع توسعه یافته و در حال توسعه تبدیل شده است(۲). ایران نیز از این روند جهانی مستثنی نیست. گسترش شهرنشینی، تحولات فرهنگی و تغییرات اجتماعی موجب کاهش باروری و افزایش تک فرزندی شده و آثار آن در ساختار جمعیتی کشور مشهود است. پس از دوره‌ای از رشد پرشتاب جمعیت، ایران طی دهه‌های اخیر با افت باروری و افزایش سالمندی مواجه شده است. بر اساس سرشماری ۱۳۹۰، نرخ باروری به زیر سطح جانشینی سقوط کرد(۳). داده‌های آماری نشان می‌دهد باروری کل از ۵/۵ در سال ۱۳۶۷ به ۱/۲ در سال ۱۳۷۹ کاهش یافته است. هر چند پس از سال ۱۳۹۵ رشد نسبی در تولدها مشاهده شده، اما نرخ رشد جمعیت همچنان کم‌تر از حد انتظار و پایین‌تر از دهه‌های گذشته است(۴، ۵). کاهش فرزندآوری، رشد سالمندی، کاهش نیروی کار و افزایش امید به زندگی اکنون به یکی از مهم‌ترین چالش‌های اجتماعی و جمعیتی کشور بدل شده است(۶). این شرایط زنگ خطر جدی برای سیاست‌گذاران به شمار می‌آید و ضرورت تدوین برنامه‌های ملی برای بازگرداندن نرخ باروری به سطح مطلوب را آشکار می‌سازد(۷). با وجود مطالعات متعدد در ایران، یافته‌های پژوهش‌ها در خصوص عوامل مؤثر بر تمایل به فرزندآوری متناقض است؛ برای مثال، برخی مطالعات نقش وضعیت اقتصادی را تعیین کننده دانسته‌اند، در حالی که برخی دیگر تأثیر آن را ناچیز گزارش کرده‌اند. پژوهش حاضر نیز با هدف تحلیل جامع، به ارزیابی عوامل اثرگذار بر تمایل به فرزندآوری در میان زنان و مردان استان مازندران می‌پردازد.

مواد و روش‌ها

این مطالعه مقطعی چند مرکزی، در سال ۱۴۰۲ در استان مازندران انجام شد. پس از اخذ مجوز کمیته اخلاق دانشگاه علوم پزشکی مازندران (کد: IR.MAZUMS.IMAMHOSPITAL.REC.1401.074) و رعایت اصول اخلاق و محرمانگی، پژوهش آغاز گردید. جامعه مورد بررسی شامل زنان و مردان شاغل در بخش‌های دولتی و خصوصی و مراجعان به مراکز درمانی استان بود. معیارهای ورود شامل تابعیت ایرانی، سکونت در مازندران، سن ۱۵ تا ۵۲ سال، سواد خواندن و نوشتن و رضایت آگاهانه بود. افراد فاقد این شرایط از مطالعه حذف شدند.

ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه‌ای ساختارمند و معتبر بود که روایی و پایایی آن پیش‌تر بررسی و تایید شده بود. پرسشنامه شامل دو بخش بود، بخش نخست اطلاعات جمعیت شناختی (تحصیلات، شغل، تأهل، درآمد، محل سکونت و نحوه آشنایی با همسر) و بخش دوم ۵۱ گویه درباره عوامل مؤثر بر فرزندآوری را دربر می‌گرفت. این گویه‌ها بر اساس مرور منابع و مصاحبه با کارشناسان جمعیت شناسی طراحی شدند؛ روایی محتوایی توسط ۸ متخصص و پایایی ابزار با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۰۸۷ تأیید گردید. تعدادی از عوامل تشویق کننده شامل احساس امنیت شغلی، مالکیت منزل، درآمد مناسب، عدم ترجیح جنسیت خاص و نگاه مثبت به داشتن فرزند، حمایت خانواده‌ها و اقوام و ... و از طرفی عوامل بازدارنده شامل تحصیلات بالاتر، زندگی شهری، نبود مسکن شخصی، عدم علاقه یا بی‌تفاوتی به داشتن فرزند، محدودیت زمانی به علت کار و فعالیت‌های روزانه و ... می باشد. داده‌ها پس از کدگذاری در نرم‌افزار SPSS تحلیل شدند. برای توصیف متغیرها از شاخص‌های مرکزی، پراکندگی و جداول فراوانی استفاده شد. نرمال بودن داده‌ها با آزمون

[Downloaded from jmums.mazums.ac.ir on 2026-11-28]

کولموگروف–اسمیرنوف بررسی و بر اساس آن، آزمون‌های پارامتریک یا ناپارامتریک به کار رفت. جهت کنترل متغیرهای مداخله‌گر نیز از تحلیل کوواریانس، رگرسیون لجستیک و سایر روش‌های آماری چند مرحله‌ای استفاده شد.

یافته ها و بحث

در این مطالعه، میانگین سنی شرکت‌کنندگان ۳۱/۳ ± ۸/۷ سال بود (۷۹/۵ درصد مرد و ۲۰/۵ درصد زن بودند. ۸۹/۵ درصد متأهل، ۶ درصد مجرد، ۴ درصد مطلقه و ۰/۵ درصد بیوه بودند. بیش‌ترین فراوانی مربوط به افراد با ۵ تا ۱۵ سال سابقه ازدواج بود (۳۹/۸ درصد). میانگین نمره عوامل تشویق کننده فرزندآوری در کل جمعیت ۶۹/۶ ± ۱۸/۴ و میانگین عوامل بازدارنده ۷۰/۴ ± ۲۱/۰ بود. اگر چه زنان میانگین بالاتری در هر دو گروه از عوامل داشتند، این تفاوت‌ها از نظر آماری معنی‌دار نبود (P =۰/۲۱). در بررسی وضعیت ازدواج، شرکت‌کنندگانی که ازدواج اول داشتند، نمره عوامل تشویق کننده بالاتری نسبت به ازدواج‌های مجدد نشان دادند (P =۰/۰۳). میانگین نمرات در افرادی که بیش از ۱۵ سال زندگی مشترک داشتند نیز بیش‌تر بود، اما این اختلاف از نظر آماری معنی‌دار نبود (P =۰/۱۸). تحلیل متغیرهای اقتصادی–اجتماعی نشان داد سطح درآمد با تمایل به فرزندآوری رابطه معنی‌دار دارد؛ به‌طوری‌که افراد با درآمد بالا نمره بیش‌تری در عوامل تشویق کننده (P =۰/۰۲) و هم‌زمان در عوامل بازدارنده (P =۰/۰۴) کسب کردند. از نظر وضعیت شغلی نیز تفاوت معنی‌داری مشاهده شد (P =۰/۰۱). کارمندان دولت بیش‌ترین تمایل به فرزندآوری و بازنشستگان بالاترین نمره در عوامل بازدارنده را گزارش کردند. در میان متغیرهای اجتماعی، افراد دارای مسکن شخصی نمره بالاتری در عوامل تشویق کننده داشتند در مقایسه با مستأجران، ولی این تفاوت معنی‌دار نبود (P =۰/۲۷). ساکنان روستا تمایل بیش‌تری به فرزندآوری نسبت به شهرنشینان داشتند (P =۰/۰۹). در بررسی وضعیت تحصیلات، تفاوت‌ها از نظر آماری معنی‌دار بود (P <۰/۰۰۱). افرادی با تحصیلات پایین‌تر تمایل بیش‌تری به فرزندآوری داشتند، در حالی که افراد با تحصیلات دکترا و بالاتر، تمایل کم‌تری نشان دادند. ترجیح جنسیت فرزند نیز با تمایل به فرزندآوری ارتباط داشت؛ شرکت‌کنندگانی که جنسیت فرزند را بی‌اهمیت می‌دانستند، نمره بالاتری در عوامل تشویق کننده داشتند (P =۰/۰۴). در مقابل، در همین گروه نمرات عوامل بازدارنده نیز اندکی بیش‌تر بود (P =۰/۰۵). هیچ رابطه معنی‌داری میان نحوه آشنایی با همسر (P =۰/۳۱)، خویشاوندی ازدواج (P =۰/۲۲) وجود بیماری زمینه‌ای (P =۰/۴۷) یا تعداد فرزندان فعلی (P =۰/۳۳) با عوامل تشویق کننده و بازدارنده مشاهده نشد. به‌طور کلی، تحلیل نهایی نشان داد که تحصیلات، وضعیت شغلی و درآمد از مهم‌ترین پیش‌بین‌های تمایل به فرزندآوری در این جامعه بودند (جداول شماره ۱ و ۲).

بررسی‌های انجام شده در زمینه تمایل به فرزندآوری نشان می‌دهد که مجموعه‌ای از عوامل فردی، اجتماعی و اقتصادی در شکل‌گیری نگرش نسبت به فرزند نقش دارند. یافته‌های این پژوهش نیز مؤید تأثیر این متغیرها بر گرایش به فرزندآوری است. نتایج مطالعه حاضر نشان داد افراد شاغل در بخش‌های دولتی نمرات بالاتری در عوامل تشویق کننده فرزندآوری داشتند. این موضوع می‌تواند ناشی از امنیت شغلی، ساعات کاری منظم و درآمد ثابت در مشاغل دولتی باشد که امکان برقراری تعادل میان مسئولیت‌های خانوادگی و شغلی را فراهم می‌کند. یافته‌های مشابهی در مطالعات حسینی و همکاران و حجازی گزارش شده است که اشتغال پایدار و امنیت شغلی را از عوامل کلیدی در تصمیم‌گیری برای فرزندآوری معرفی کرده‌اند(۹-۱۲). در مقابل، مشاغل با ساعات کاری طولانی یا فشار کاری بالا، به‌ویژه در میان زنان، موجب افزایش اضطراب و کاهش تمایل به بارداری می‌شود که با یافته‌های Lunden هم‌خوان است(۹). یکی از نتایج مهم این پژوهش، ارتباط معنی‌دار میان وضعیت اقتصادی و تمایل به فرزندآوری بود.

[Downloaded from jmums.mazums.ac.ir on 2026-11-28]

جدول شماره ۱: خصوصیات و یافته های دموگرافیک شرکت کنندگان

متغیر	درصد	تعداد
جنسیت		
مرد	۲۰/۵	۳۱۸
زن	۷۹/۵	۸۲
تاهل		
مجرد	۶	۲۴
متاهل	۸۹/۵	۳۵۸
مطلقه	۴	۱۶
بیوه	۵.	۲
نوع ازدواج		
خویشاوندی	۳۴/۸	۱۳۹
غیر خویشاوندی	۶۵/۲	۲۶۱
مدت ازدواج		
کم‌تر از ۵ سال	۲۹/۵	۱۱۸
بین ۵ تا ۱۵ سال	۳۹/۸	۱۵۹
بیش‌تر از ۱۵ سال	۳۰/۸	۱۲۳
وضعیت ازدواج		
ازدواج اول	۸۳/۵	۳۳۴
ازدواج مجدد	۱۶/۵	۶۶
نحوه آشنایی با همسر		
معرفی خانواده	۳۲/۸	۱۳۱
معرفی دوستان	۱۸/۵	۷۴
معرفی دیگران	۲۱/۳	۸۵
آشنایی خودم	۲۷/۵	۱۱۰
تعداد فعالیت جنسی		
کم‌تر از ۴ بار در هفته	۳۳/۸	۱۳۵
۴ تا ۱۲ بار در هفته	۴۳/۳	۱۷۳
بیش‌تر از ۱۲ بار در هفته	۲۳	۹۲
سطح سواد		
بیسواد	۲/۳	۹
کم‌تر از دیپلم	۱۲	۴۸
دلیپلم تا لیسانس	۴۵	۱۸۰
لیسانس تا فوق لیسانس	۲۷	۱۰۸
دکتری و بالاتر	۱۳	۵۲
شغل		
مراکز دولتی	۴۰/۳	۱۶۱
مراکز خصوصی	۱۵/۸	۶۳
بازنشسته	۱/۵	۶
خانه دار	۳۵/۵	۱۴۲
فاقد شغل	۷	۲۸
سطح در آمد		
خیلی خوب	۱۳/۳	۵۳
خوب	۲۴	۹۶
متوسط	۴۸/۸	۱۹۵
بد	۸/۵	۳۴
بازنشسته	۵/۵	۲۲
مالکیت منزل		
شخصی	۶۴/۷	۲۵۹
روستا	۳۵/۳	۱۴۱
محل زندگی		
شهر	۷۵	۳۰۰
روستا	۲۵	۱۰۰
تک فرزند بودن		
مشارکت کننده	۱۳/۷	۵۵
بلی	۸۶/۳	۳۴۵
خیر		
بیماری زمینه ای		
بلی	۲۰/۳	۸۱
خیر	۷۹/۷	۳۱۹
ترجیح جنسیت فرزند		
پسر	۲۹،۵	۱۱۸
دختر	۷۰/۵	۲۸۲
اهمیت جنسیت فرزند		
پسر	۱۵	۶۰
دختر	۱۴	۵۶
اهمیتی ندارد	۷۱	۲۸۴

جدول شماره ۲: مقایسه عوامل موثر بر فرزندآوری در شرکت کنندگان

متغیر	میانگین عوامل تشویق کننده (انحراف معیار)	سطح معنی داری	میانگین عوامل بازدارنده (انحراف معیار)	سطح معنی داری
مدت ازدواج		۰/۰۶		۰/۲۵
کم‌تر از ۵ سال	۱۲/۴±۶/۲۷		۱۳/۱±۷۰/۵۴	
بین ۵ تا ۱۵ سال	۱۱/۸±۶۹/۹۸		۱۲/۰±۷۰/۵۶	
بیش‌تر از ۱۵ سال	۱۳/۵±۷۴/۱۸		۱۴/۲±۶۰/۹۳	
نحوه آشنایی با همسر		۰/۰۷۲		۰/۹۱۲
معرفی خانواده	۱۰/۹±۷۱/۴۵		۱۱/۷±۶۷/۰۹	
معرفی دوستان	۱۱/۳±۷۱/۸۹		۱۲/۲±۶۴/۶۰	
معرفی دیگران	۱۲/۰±۷۳/۳۱		۱۱/۸±۶۵/۱۱	
آشنایی خودم	۱۳/۰±۶۵/۹۳		۱۲/۵±۶۴/۹۱	
تعداد فعالیت جنسی*		۰/۱۴۸		۰/۱۷۰
کم‌تر از ۴ بار	۱۱/۹±۷۲/۴۲		۱۳/۴±۶۸/۵۳	
۴ تا ۱۲ بار	۱۲/۸±۶۹/۲۹		۱۲/۷±۶۵/۴۷	
بیش از۱۲بار	۱۳/۱±۶۵/۱۹		۱۳/۹±۵۸/۷۶	
سطح تحصیلات		>۰/۰۰۱		>۰/۰۰۱
بیسواد	۹/۸±۸۳/۵۵		۱۰/۱±۵۲/۶۶	
کمتر از دیپلم	۱۱/۵±۶۸/۳۵		۱۱/۸±۵۸/۶۰	
دیپلم تا لیسانس	۱۲/۰±۷۲/۴۸		۱۲,۹±۶۹/۶۰	
لیسانس تا فوق لیسانس	۱۲/۷±۶۸/۹۰		۱۳/۱±۶۶/۵۷	
دکتری و بالاتر	۱۳/۲±۵۶/۷۳		۱۲/۸±۶۱/۰۵	
شغل		>۰/۰۰۱		>۰/۰۰۱
مراکز دولتی	۱۱/۲±۷۸/۸۸		۱۲/۶±۵۷/۴۴	
مراکز خصوصی	۱۲/۰±۷۰/۲۰		۱۱/۹±۶۵/۲۷	
بازنشسته	۱۲/۳±۷۲/۳۳		۱۳,۷±۷۴/۴۳	
خانه دار	۱۲/۶±۶۸/۴۹		۱۲/۹±۷۱/۰۸	
فاقد شغل	۱۱/۸±۶۹/۵۵		۵۱۲±۶۱/۸۶	
سطح درآمد**		۰/۰۲		>۰/۰۰۱
خیلی خوب	۱۱/۵±۷۳/۳۰		۱۲/۸±۷۵/۶۴	
خوب	۱۲/۱±۶۷/۳۸		۱۲/۷±۶۲/۰۱	
متوسط	۱۲/۹±۶۹/۳۳		۱۳/۲±۶۸/۵۰	
بد	۱۲/۷±۶۸/۲۴		۱۲/۸±۶۷/۲۳	
خیلی بد	۱۳,۳±۵۹,۵۰		۱۴±۷۵,۰۷	
اهمیت جنسیت برای شرکت کننده		۰،۵۷۸		۰/۰۰۸
پسر	۱۲/۰±۶۷/۲۹		۱۲/۵±۶۶/۸۳	
دختر	۱۱/۹±۶۷/۳۰		۱۲/۶±۶۰/۷۵	
فرقی ندارد	۱۲/۵±۷۰/۶۰		۱۲/۹±۶۷/۰۴	

*: تعداد فعالیت جنسی در ماه بر اساس مطالعه .Perlis et al تعریف شده است(۱۰).

**: وضعیت اقتصادی بر اساس خود اظهاری شرکت‌کنندگان در یک مقیاس پنج درجه‌ای استاندارد (خیلی خوب تا خیلی بد) سنجیده شد.

افراد با درآمد بالا نمرات بیش‌تری در عوامل تشویق کننده و همزمان در عوامل بازدارنده کسب کردند. این یافته بیانگر اثر دوگانه وضعیت اقتصادی است؛ از یک سو، برخورداری از منابع مالی کافی توانایی تأمین نیازهای کودک را افزایش می‌دهد، و از سوی دیگر، اشتغال فشرده و مسئولیت‌های شغلی زیاد می‌تواند زمان و انگیزه لازم برای فرزندآوری را کاهش دهد. مطالعات داخلی و خارجی نیز تأثیر وضعیت اقتصادی را بر رفتارهای باروری تأیید کرده‌اند، هر چند پژوهش مشفق و همکاران نقش این

[Downloaded from jmums.mazums.ac.ir on 2026-11-28]

متغیر را نسبتاً محدود دانسته است(۱۷ – 13). از سوی دیگر، یافته‌ها نشان داد میانگین عوامل تشویق کننده در روستاییان بیش از شهرنشینان بود، در حالی که عوامل بازدارنده در شهرنشینان غلبه داشت. این الگو با نظریه‌های هزینه– فایده و مبادله (بکر، وبر و استرلن) هم‌خوانی دارد؛ در جوامع روستایی فرزند بیش‌تر غالباً به‌عنوان نیروی کمک اقتصادی تلقی می‌شود، در حالی که در زندگی شهری، فرزند بیش‌تر با هزینه و مسئولیت مضاعف همراه است(۲۴– 18). در بررسی متغیر مسکن، شرکت‌کنندگانی که دارای خانه شخصی بودند، تمایل بیش‌تری به فرزندآوری نشان دادند. اگر چه این اختلاف از نظر آماری معنادار نبود، ولی می‌توان آن را به احساس امنیت اقتصادی ناشی از تملک مسکن نسبت داد. مطالعات مطلق و محمودیانی نیز تأثیر نوع مسکن بر تصمیم فرزندآوری را گزارش کرده‌اند(۱۳، ۲۵). یافته‌ها همچنین نشان داد زوج‌هایی که مدت بیش‌تری از ازدواجشان گذشته بود، تمایل بالاتری به داشتن فرزند داشتند. احتمالاً با افزایش ثبات اقتصادی و روانی و عبور از دوره‌های پرچالش اولیه ازدواج، انگیزه برای تکمیل خانواده تقویت می‌شود. این نتیجه با گزارش‌های حاجی‌زاده و شکیبا هم‌راستا است(۲۶، ۲۷). در مورد ترجیح جنسیتی فرزند، نتایج نشان داد افرادی که جنسیت را بی‌اهمیت می‌دانستند، نمره بیش‌تری در عوامل بازدارنده داشتند. این یافته حاکی از آن است که در میان کسانی که تمایل کلی به فرزندآوری ندارند، جنسیت نیز اولویت محسوب نمی‌شود. این موضوع با نتایج مطالعه رازقی و همکاران در تهران تفاوت دارد که در آن ترجیح جنسیتی هنوز نقش پررنگی در تصمیم‌های باروری داشت(۲۸). در مجموع، یافته‌های این پژوهش بیانگر آن است که تمایل به فرزندآوری در تعامل میان متغیرهای اقتصادی، شغلی، فرهنگی و خانوادگی شکل می‌گیرد. عواملی چون تحصیلات بالا، اشتغال در مشاغل پرمسئولیت و زندگی شهری بیش‌تر با موانع فرزندآوری همراه بودند، در حالی که امنیت شغلی، درآمد مناسب، تملک مسکن و گذشت زمان از ازدواج به افزایش تمایل به فرزندآوری منجر می‌شدند. بنابراین، سیاست‌های جمعیتی باید بر پایه رویکردی جامع و چند بعدی طراحی شوند. توجه صرف به مشوق‌های مالی یا اقتصادی نمی‌تواند تغییر پایداری در رفتارهای باروری ایجاد کند. برنامه‌های مؤثر باید شامل حمایت از اشتغال پایدار، تأمین مسکن جوانان، تسهیل در مراقبت از کودک و ایجاد تعادل میان کار و خانواده باشند. در کنار این مداخلات، ترویج ارزش‌های فرهنگی و خانوادگی و اصلاح نگرش‌های اجتماعی نسبت به فرزندآوری در رسانه‌ها و نظام آموزشی کشور ضروری است. تحقق این رویکرد یکپارچه می‌تواند به تعدیل روند کاهش باروری و بهبود پویایی جمعیت ایران کمک کند.

سپاسگزاری

نویسندگان بدین وسیله مراتب قدردانی و سپاس خود را از تمامی شرکت‌کنندگان در این پژوهش ابراز می‌دارند. همچنین از مسئولان و کارکنان مراکز درمانی دولتی و خصوصی استان مازندران که در روند اجرای مطالعه همکاری صمیمانه‌ای داشتند، صمیمانه تشکر می‌شود.

References

1. kalantari ds, samad d, mohammadi, beik dh, Shah az. Demographic factors affecting the fertility of Yazd women in 2013. Wom Dev Pol 2005; 3(2).
2. Piltan S, sadat f, rahmanian H. Sociological review of the factors affecting the willingness of married women and men to have children (case study: women and men aged 25 to 45 in Jahrom city). Ira Soc Dev Stu 2015; 7(2): 121-34.
3. Shojaei J, Yazdkhasti B. One-child living experience: A study of girls over 18 years. Wom Dev & Pol 2017; 15(4): 447-476.

[Downloaded from jmums.mazums.ac.ir on 2026-11-28]

4. Afarini fs, lAKbari n, montazeri a. Relationship between social support and intention to have children in women living in Tehran. Pay Relationship between social support and intention to have children in women living in Tehran. Payesh 2018; 17 (3) :315-328
5. farahani K, saraii h. Analyzing the underlying conditions of the intention and behavior of having only one child in Tehran. Str Stu Wom 2016; 18(71): 29-58.
6. moradabadi t, ghahfarokhi M, zandi s. Changes in demographic characteristics of Yazd province in the period from 1330 to 1430. Yaz Cul 2020; 2(2): 73-108.
7. seyed mirzaeei. Considerations about the dimensions of old age with a look at the Japanese experience. Shenakht 2007; 53: 201-222.
8. nafisi, navid, zarghami, shiri. Examining the willingness to have children on the eve of marriage and some related factors in Iran. population 2017; 91(22): 1-9.
9. Kalantari, S., Abbaszadeh, M., Aminmozafari, F., Rakeibonab, N. The Sociological Study of Attitude to Child bearing and it's some related Factors (Case study: married youth in Tabriz City). J Appl Sociol 2010; 21(1): 83-104.
10. Perlis N, Lo KC, Grober ED, Spencer L, Jarvi K. Coital frequency and infertility: which male factors predict less frequent coitus among infertile couples? Fertil Steril 2013; 100(2): 511-515. PMID: 23663997Hosseini H, Bagi B. Socioeconomic, cultural and demographic determinants of childbearing desires among married women attending health centers in Hamedan (2012). J Kermanshah Uni Med Sci 2014; 18(1): 35-43.
11. Hejazi SN. Women's attitude to having second child and factors effecting on it. J Healt Sys Res 2013; 9(7): 771-81.
12. Mahmoudiani S. Prevalence and correlates of Single Child Behavior among Women. Payesh 2021; 20 (1) :109-117
13. farivar, M., kazemipour, S., sharifi, M. Factors affecting the unfulfilled need of women in Tehran to have children. Medical Journal of Mashhad university of Medical Sciences, 2023; 66(3).
14. Abbasi-Shavazi M, Alimandegarie M. The Effects of Various Dimensions of Women's Autonomy on Fertility Behavior in Iran. Wom Develop Polit 2010; 8(1).
15. McDonald P. Sustaining fertility through public policy: The range of options. Population 2002; 57(3): 417-446.
16. Moshfegh M, Eshghi S. An analysis of the relationship between the value of children and fertility among Tehrani women. Women Strat Stud 2013; 15(58): 93-120.
17. Saei Gharenaz M, Ozgoli G, Hajizadeh F, Sheikhan Z, Nasiri M, Jannesari S. The relationship between religious orientation with intention of desired fertility and actual and desirable number of children in working women of Tehran, Iran. J Res Relig Health 2017; 3(1): 79-90.
18. AMINI, LEILA, Bakhshi, Kimia, SADEGHI AVVAL SHAHR, HOMA, & HAGHANI, SHIMA. (2022). Relationship of Accountability and Religious Orientation With Childbearing Intention in Women Referred to Comprehensive Health Centers in Yasouj, Iran. IRAN JOURNAL OF NURSING (IJN), 35(136), 178-189. SID. https://sid.ir/paper/1069010/en

[Downloaded from jmums.mazums.ac.ir on 2026-11-28]

19. Niska KJ. Mexican American family processes: Nurturing, support, and socialization. Nurs Sci Q 1999; 12(2): 138-42. PMID: 11847680.
20. Mehrizi ah, Tavoosi M, sedighi Z, Motlagh ma, Eslami M, Zadeh Fan, et al. Reasons for wanting and not wanting to have children among urban and rural people in Iran: a national study. Acta Paediatr 2017; 16(5): 637-45. PMID: 41324169.
21. Beckman L. Fertility Preferences and Social Exchange Theory1. J Appl Soc Psychol 9 (1979): 147-169.
22. Mehrbani V. A Comparative Study of Economic Schools of Fertility by Using Data from Iran. JPAI 2014; 8(16): 5-27.
23. Yaghoob F, Ashkaran R. Demographic and Socio-Cultural Study of Gender Preference in Iran. J Appl Sociol 2018; 29(4): 59-78.
24. Motlagh M E, Taheri M, Eslami M, nasrollapour shirvani S D. Factors affecting the fertility preferences in iranian ethnic groups. Nurs Midwif J 2016; 14 (6) :485-495
25. Nasiri M, Ozgoli G, Hajizadeh F, Sheikhan Z, Jannesari S. The relationship between religious beliefs and fertility preferences in working women. Int J Womens Health Reprod Sci 2017; 5(3): 218-224.
26. Shakiba F, Azkhosh M, Dolatshahee B, Younesi J, Eftekhar M. The Relationship between Attitudes toward Modern Assisted Reproductive Technique and Demographic Characteristics of Infertile Cases. Iran J Obstetric Gynecol Infertil 2013; 16(58): 16-23.
27. Razeghi Nasrabad HB, Alimondegari M. Gender Preference and its Influence on Fertility Intention in the low-Fertility Context of Tehran, Iran. J Midwif Reproduc Health 2019; 7(4): 1972-1980.
28. Modiri F. Different Types of Family Values and Their Socio-Economic Correlates in Tehran City. Jou App Soc 2018; 29(1): 147-66.

[Downloaded from jmums.mazums.ac.ir on 2026-11-28]